



اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری



The first annual conference of Architecture, Urban planning & Urban management

مروری بر مفهوم و هویت معماری امروز ایران

علی دربان*¹، احسان رسولی²، حسین ابولپور³، علیرضا سوهانی⁴

1- دانشجوی کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مسجدسلیمان

Alidarban2014@yahoo.com

2- مدرس آموزشکده سماء دانشگاه آزاد اسلامی واحد مسجدسلیمان

3- دانشجوی کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مسجدسلیمان

4- عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مسجدسلیمان

چکیده

هویت مقوله‌ای است که سابقه‌ای به بلندای تاریخ دارد. آن زمان که انسان احساس کرد باید به کیستی و چیستی خود در برابر طبیعت و ماورای طبیعت پاسخ گوید، هویت متولد شد. معماری به رغم تفاوت‌های سرزمینی که در شکل آن تاثیر فراوانی داشته، دارای ویژگی‌های ذاتی، پویا و تدریجی است، که آنرا هویت می‌نامند. واژه شناسی هویت، ما را به انسان، معماری و مولفه‌های تمیزدهنده آن میرساند. کلیتی که قبلاً با نام «سبک» به جهان درون و برون انسان تقسیم میشد، امروزه معنای آن با تحول ایجاد شده در عالم و آدم، با «مد معماری» جایگزین و در دایره‌ی سلايق گذرای معماران محبوس و از معنای قدیمی خود فرسنگها فاصله گرفته است. مولفه‌های تمیزدهنده‌ی معماری شامل انسان و باورها، مکان و زمان میباشدند. در مقاله حاضر به منظور روشن شدن حقیقت مفهوم هویت، سعی شده با استفاده از مطالعه اسنادی این مفهوم در سه بخش شامل اصطلاح‌شناسی و بررسی مفاهیم هویت، هویت در معماری، و بحران هویت در معماری معاصر ایران، در حوزه‌های علوم اجتماعی، علوم انسانی، و معماری و شهرسازی، مورد بررسی قرار گیرد، به طوری که نتایج به دست آمده در طراحی‌های متکی بر مسئله هویت به کار گرفته شود. این مقاله در نهایت به این نتیجه می‌رسد که هویت بیش از آن که معطوف به گذشته باشد به بینش افراد مرتبط است، زمان حال را دربر می‌گیرد و تقاضا برای بهره‌مندی از آن ریشه در نیازهای فردی و جمعی شهروندان در محیط شهر دارد.

واژگان کلیدی: معماری، هویت، تاریخ، ایران



اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری



The first annual conference of Architecture, Urban planning & Urban management

مقدمه

بزرگان حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی در طول تاریخ در مورد مسئله هویت بسیار بحث کرده‌اند و نظریه‌هایی متنوع داده‌اند که بعضاً در تضاد با یکدیگر قرار می‌گیرند که این خود گواهی است بر پیچیدگی و ابهام موجود در مبحث هویت. به همین دلیل است که می‌گویند مفهوم هویت از مباحث سهل و ممتنع در عرصه علوم اجتماعی و سیاسی است. سهل است به این معنا که برای همگان محسوس و معلوم می‌نماید و ممتنع است زیرا به تعبیر اریکسون هرچه بیشتر در این موضوع مطلب نوشته می‌شود نامفهوم‌تر و دشوارتر می‌شود.

در اثر به وجود آمدن بحران‌های هویت و به واسطه خصوصیت ذاتی مفهوم هویت که مرتباً در حال تغییر و تحول است بعضاً راهکارهایی سطحی و مقطعی به منظور ایجاد هویت به کار برده می‌شود. در واقع استفاده از چنین روش‌هایی تنها توهمی از هویت به وجود می‌آورد. در این مقاله برآنیم به این پرسش پاسخ دهیم که مفهوم هویت در معماری چیست و بحران‌های هویتی چه پیامدهایی در معماری معاصر ایران داشته است؟ لازمه پاسخ به این پرسش باز کردن مفاهیم و پاسخ به پرسش‌های دیگری است که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

هویت چیست؟ هویت کاذب به چه معناست؟ آیا باید به اثبات در مقوله هویت اعتقاد داشت یا به تغییر؟ آیا استفاده از نمادهای باستانی در معماری هویت‌زاست؟ و...

خود این مفاهیم و پرسش‌ها نیز از منظر مکاتب و حوزه‌های مختلف دارای تعاریف و تعابیر متعددی هستند که این امر نیز بر ابهام موجود در این مسئله می‌افزاید. این ابهام شاید به این دلیل باشد که هویت خود هویت ثابتی ندارد و مرتباً در حال تغییر و تحول است و در زمان‌ها و مکان‌های مختلف و از دید جوامع مختلف و فرهنگ‌های بشری، همچنین در حوزه‌های مختلفی که این مسئله در آن مطرح می‌شود مفهوم خود را عوض می‌کند [1].

اصطلاح‌شناسی و مفاهیم واژه هویت

همان‌طور که در مقدمه اشاره شد، مفهوم واژه هویت در حوزه‌ها و مکاتب مختلف دارای تعاریف و اختلافاتی است که باید این مفاهیم پیش از وارد شدن به بحث هویت ایرانی و هویت معماری مورد بررسی قرار گیرد تا به درکی کلی از واژه هویت و معنای آن دست یابیم.

این بخش ابتدا به اصطلاح‌شناسی واژه هویت می‌پردازد و سپس مفاهیم هویت را مورد بررسی قرار می‌دهد تا به صورت تأویلی به ریشه‌یابی معانی هویت بپردازد و علل تغییرات و چندگانگی این مفهوم را مورد مطالعه قرار دهد.

«فرهنگ فارسی» معین واژه هویت را چنین تعریف کرده است: آنچه که موجب شناسایی شخص باشد یعنی آنچه باعث تمایز یک فرد از دیگری باشد



اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری



The first annual conference of Architecture, Urban planning & Urban management

درفرنگ لغات و اصطلاحات فلسفی منظور از کلمه هویت اشاره به ذات و تشخص و این همانی موجودات است و نیز آمده است: واژه عربی هویت دارای کاربرد فلسفی است که عبارت است از دو چیز که باهم در وجود و حقیقت یکی باشند هرچند که دارای بعضی وجوه افتراق باشند .

همچنین، فرهنگ American Heritage در مورد واژه هویت به موارد زیر اشاره می‌کند:

۱- مشخصه‌هایی که به واسطه آن یک چیز به صراحت قابل شناسایی است؛

۲- مجموعه‌ای از رفتارها و ویژگی‌های شخصیتی که به واسطه آن عضو گروه خاصی تشخیص داده می‌شود؛

۳- کیفیت یا شرایطی که به واسطه آن چیزی مساوی چیزی قرار داده می‌شود؛

۴- ویژگی‌های فرد.

«فرهنگ عمید» نیز هویت را حقیقت شیء یا شخص می‌داند که مشتمل بر صفات جوهری او باشد. همچنین مقابل واژه هویت، لغات شخصیت، ذات، هستی و وجود را آورده است.

از طرفی، «هویت به معنای آنچه که شخص را می‌شناساند می‌تواند مفهوم دیگری نیز در بر داشته باشد. واژه انگلیسی آیدنتیتی می‌تواند این مفهوم را روشن کند، این واژه از سده شانزدهم وارد زبان انگلیسی شد و شکل‌های دیگر آن در زبان‌های اروپایی از واژه لاتین متاخر آیدنتیتاس گرفته شده، آیدنتیتاس متشکل از دو بخش است، آیدم به معنای همان و انتیتاس به معنای وجود (موجود بودن) و بر سر هم به معنای همان موجود بودن و همانی مطلق است. در ریاضیات معادله‌ای که به ازای همه مقادیر متغیرهای خد ثابت باشد آیدنتیتی نامیده می‌شود» [2].

همان‌طور که مشاهده می‌شود، در بررسی معانی و مفاهیم هویت در فرهنگ‌های لغت چه فارسی و چه غیرفارسی مفهوم هویت عمدتاً به دو معناست. در معنای اول، هویت یک شیء ذات و جوهر آن است. کاربرد این معنا از هویت بیشتر به عرفان باز می‌گردد یعنی جایی که ذات و گوهر تمام اشیاء، امور و افعال به خداوند باز می‌گردد و در واقع خداوند به عنوان ذات و گوهر تمام اشیاء در نظر گرفته می‌شود. در گروه دوم هویت به معنای ویژگی‌هایی که موجب تمایز یک شیء از اشیای دیگر می‌گردد تلقی می‌شود. در علوم طبیعی بیشتر از این معنا استفاده می‌شود. در این تعریف مفهوم هویت با کلماتی نظیر خودیت، اصالت و شخصیت هم‌گروه می‌گردد.

به‌طور کلی مفهوم هویت را در سه بازه زمانی پیش از مدرن، مدرن و فرامدرن می‌توان مورد بررسی قرار داد.

الف- هویت در دوران پیش از مدرن

در ادبیات عرفانی ایران هویت در جامع‌ترین معنا به ذات مطلق گفته می‌شود. از این رو گاه به معنای هستی و وجود آمده است، ولی صدر المتالهین با در نظر گرفتن اعتبار نسبی برای موجودات آن وجود منبسط و فیض مقدس را هویت ساریه نامیده است. هویت در این معنا (هویت بی در نظر گرفتن هویت ساریه) عبارت است از ماهیت که با تشخص لحاظ شده."



اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری



The first annual conference of Architecture, Urban planning & Urban management

“قیصری رومی در مقدمه فصوص الحکم هویت را چنین تعریف می‌کند: آنچه شیئیت شی به آن است به اعتبار تحقق حقیقت گویند و به اعتبار تشخیص هویت و با قطع نظر از هر یک ماهیت گویند.”

ب- مفهوم هویت از دیدگاه مدرنیته

مفهوم هویت در دوران پیش از مدرن به صورت امروزی مطرح نبود. به گفته هایدگر آدمی تصویری بود که از چشم خدایان یا خداوند دیده می‌شد و هویت او محصول کارکرد یک نظام مقتدر و از پیش تعیین شده باورهای دینی و آیینی و اسطوره‌ای بود. به بیانی دیگر گذشته و الگوهای سنتی بر امروز حکم می‌راندند و اکنون و امکان آینده را پدید می‌آوردند. به همین دلیل گذشته در دوران سنتی بسیار مهم دانسته می‌شود. اما در دوره مدرن مفهوم هویت دچار دگرگونی شد. انسان مدرن دیگر نمی‌توانست هویت خود را به همان صورت گذشته ببیند. هایدگر می‌گوید هویت برابری است و پرسش از هویت هنگامی مطرح می‌شود که بخواهیم دو چیز متفاوت را برابر معرفی کنیم. در دوران مدرن معیارهای معین سنجش سنتی هویت افراد مردود اعلام شد و در نتیجه آن پرسش از هویت مطرح شد. در این دوران، مسئله هویت در بطن و متن گفتمان‌های نوین جای می‌گیرد و مسئله‌ای به نام فاعل شناسایی مطرح می‌گردد و مسئله اصالت انسان شکل می‌گیرد به طوری که انسان در مقابله با طبیعت خودش را مطرح می‌کند. در تفکر مدرن مسئله این یا آن مطرح نیست و اختلاط ممکن نیست، هویت باید شفاف، خالص و ناب باشد. هویت انسانی به عنوان فاعل شناسایی به جایی می‌رسد که انسان جایگزین خدا می‌شود. در این تفکر هویت عبارت است از کیفیتی که ذهن برای بازشناسی آن ارزش دیگر به آن می‌دهد و هویت از آن شیء نیست بلکه از آن ذهن فاعل شناسا است. براساس این تفکر مشخصه انسان عقل اوست و هرکس هرآنچه با عقل در یابد برای همگان در همه ازمنه و امکانه معتبر، معقول و مقبول است چون ماهیت و فطرت بشری واحد و یکسان است.

انسان مدرن تابع قوانین و قراردادهایی است و این قراردادها تا زمانی مرجعیت دارند که قرارداد دیگری جایگزین آن نشده باشد. در این قراردادها نیک و بد مطلق معنی ندارد و نیک و بد را اکثریت تعریف می‌کنند.

ج- مفهوم هویت پس از مدرنیته

مفهوم هویت در اثر تغییر و انسداد خود را مطرح می‌کند. یکی از این تغییرات که در طول دوران معاصر اتفاق افتاد و پی‌آمدهای آن هنوز دیده می‌شود و زمینه‌ساز پرسش‌های زیادی در زمینه هویت شد تبدیل شدن جامعه سنتی به جامعه مدرن است. این تقابل سنت و مدرنیته با دو جهان بینی مختلف باعث به وجود آمدن مفهومی جدید از هویت می‌شود، اما این بار مسئله کمی متفاوت است. مدرنیته دارای ادعای جهانی است، و سر نزاع با تمام خرده هویت‌های موجود در جهان، با آن همه پیشینه تاریخی‌شان دارد. بحران هویت مدرن در کشورهایمانند ایران با آن سابقه تاریخی و وجود پاره فرهنگ‌های قومی و ملی بغرنج تر هم می‌شود. علاوه بر آن سرعت ارتباطات اجازه هیچ مقدمه چینی به مدرنیته نمی‌دهد؛ به صورت انقلابی همه چیز را عوض می‌کند و یک شبه ره صد ساله می‌پیماید. به منظور پاسخ‌گویی به این بحران هویتی ایجاد شده توسط مدرنیسم، پست مدرنیسم متولد می‌شود و هویت مدرن را به نقد می‌کشد.

فرامردن معنای هویت را زیر سؤال می‌برد اما همچنان قائل به معنای هویت است. فرامردن به کثرت در هویت معتقد است و به هویت ثابت اعتقاد ندارد. بر این اساس، هویت جهان شمول و ثابت نداریم بلکه با هویت‌ها مواجه هستیم. اگر هویت‌های مختلف



اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری



The first annual conference of Architecture, Urban planning & Urban management

شکل می‌گیرد اساساً نمی‌توان درباره چیزی به نام هویت بحث کرد. در این دوره زندگی اجتماعی گردش و شتاب بیشتری می‌گیرد و گستره‌ای از هویت‌های گوناگون پیش‌روی انسان قرار می‌گیرد و انسان در فرصت‌های کوتاه نقش‌های مختلفی را ایفا می‌کند. همین واقعیت برخورداری از یک هویت یکپارچه را دشوار و حتی ناممکن کرده است.

در این تفکر انسان‌ها بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و از هم تأثیر می‌پذیرند و هیچ چیز از پیش تعیین شده در نزد آنها نیست و هرگونه اصالت ذاتی از هویت مردود و هر تلاشی برای تعریف انحصاری و ابژکتیو هویت بی‌معنا است. هویت به فرد تنها تعلق ندارد و همین‌طور هویت جمعی تنها و یگانه وجود ندارد. اگر فرد تنها هویت نداشته باشد و هویت او در جمع و در تفاوت‌گذاری‌ها و بروز اختلافات ساخته شود، در آن صورت سخن گفتن از هویت فطری، ذاتی و اصیل، معنادار نخواهد بود. داریوش شایگان در کتاب «افسون‌زدگی جدید» می‌نویسد: ما خواه ناخواه در شرف تکوین انسان چهل تکه هستیم که دیگر به یک هویت خاص و ویژه تعلق ندارد و چندهویت است. به عبارت دیگر معادلات دوقطبی پیشین که در زمانی فرهنگی را مشخص و از هم جدا می‌کرد مانند ما و دیگران، خودی و غیرخودی، شرق و غرب، شمال و جنوب، عمیقاً رنگ باخته است زیرا این‌ها و همه در ترکیبات گوناگون در نسبت‌های متغیر در منظومه‌هایی که هر دم فرو می‌باشند و دوباره شکل می‌گیرند از میان می‌روند و دوباره ظاهر می‌شوند.

در کتاب مقدس می‌خوانیم که خداوند انسان را به صورت خویش آفرید، درحالی‌که فویر باخ در دوران پس از مدرن چنین بیان می‌کند که انسان خداوند را به صورت خویش آفرید. با توجه به چنین اعتقادی که انسان خالق خداست، کثرت جای‌گزین وحدت می‌گردد، انسان خدای خود، هویت خود، قانون خود، هنجارهای خود و... معماری خود را می‌سازد. در واقع عالم کثرت عالم واگرایی است. انسان کثرت‌گرای فرامدرن در پس یافتن هویت گم شده نیست، در پی یافتن هویت ویژه‌ای برای خود است. انسان کثرت‌گرا از هر رنگی بگریزد و به خود بپردازد و تفاوت خود را با دیگران آشکار کند با هویت‌تر است. به عبارتی هویت در عالم وحدت، خدایی بودن و در عالم کثرت، خود بودن است.

نتیجه آن که هویت ماهیتی متناقض دارد و همین امر باعث شده تعریفی جامع و مانع از هویت وجود نداشته باشد [3].

تناقض در هویت سه عامل دارد:

۱- هویت به‌طور هم‌زمان یک عنصر ایستا و یک عنصر پویا است که از یک‌سو بیانگر تداوم و استمرار است و از سوی دیگر در معرفی فرایند بازتولید و بازتعریف است؛

۲- هویت چندگانه است یعنی افراد و گروه‌ها الزاماً به یک هویت وابسته نیستند؛

۳- هویت باردار احساس و ارزش است که با رفتار عقلانی تبیین پیدا می‌کند چراکه رفتار عقلانی مستلزم سود و هزینه است.



اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری



The first annual conference of Architecture, Urban planning & Urban management

هویت معماری

هنگامی که وارد مبحث هویت معماری می‌شویم سؤالاتی چنین مطرح می‌شود که عناصر سازنده هویت محیطی و مکانی چه هستند؟ آیا معماری هویت‌پذیر است؟ نکات ابهام‌انگیز در هویت معماری چه هستند؟ آیا معماری دارای هویتی ثابت است؟ و...

در رابطه با مسئله هویت محیطی، صاحب‌نظران مختلف عقاید خود را بیان داشته‌اند و مؤلفه‌های مختلفی برای این مفهوم در نظر گرفته‌اند. به‌طور مثال، لینچ برای هویت دو کارکرد مهم در نظر می‌گیرد: اول کارکردی که می‌توان آن را حس تشخیص نامید. به عبارتی هویت به انسان قدرت تشخیص می‌دهد و به وی کمک می‌کند که بتواند محیط را بخواند و پیش‌بینی کند. اگر محیط فاقد هویت یعنی حس تشخیص و تمایز باشد محیط قابل خواندن نیست. کارکرد دوم لینچ برای هویت محیط، عملکرد عاطفی هویت محیط است.

الکساندر یکی دیگر از اندیشمندانی است که در زمینه هویت محیطی به اظهار نظر پرداخته است. به عقیده وی هویت در محیط هنگامی تجلی می‌کند که ارتباط طبیعی و منطقی بین فرد و محیط حاصل شده باشد. وی معتقد است که بین فرد و محیط زندگی‌اش ارتباط و احساس تعلق خاطر به وجود نخواهد آمد مگر آنکه قادر به شناخت عمیق و تشخیص آن باشد و توان درک تمایز آن نسبت به محیط‌های دیگر را نیز داشته باشد، و بداند در چه زمانی و به چه صورت پاسخ مناسبی به کنش‌های انجام یافته در آن محیط بدهد.

شخص دیگری که در زمینه هویت محیطی صاحب‌نظر است والتر بور است. از نظر وی، هویت همان تفاوت‌های کوچک و بزرگی است که باعث بازشناخت یک مکان و خوانایی محیط می‌شود و حس دل‌بستگی و حساسیت محیط را به وجود می‌آورد. خاص بودن هر محیط به معنی اجتناب از یکنواختی، وجود تنوع و جذابیت است و در نحوه قرارگیری فضاها و طرز دسترسی به فضاها و در کاربری‌ها نیز می‌باید وجود داشته باشد [3].

ولف معتقد است که هویت محیط نتیجه کنش متقابل سه مورد است که عبارت‌اند از:

۱- ترکیب ظاهر و کالبدی نماها؛

۲- عملکردها و فعالیت‌های قابل مشاهده؛

۳- مفاهیم در محیط.

کالن بر اهمیت تفاوت هر محیط با سایر محیطها تأکید دارد. او هویت را توجه به شخصیت فردی هر محیط و پرهیز از یکنواختی و تشابه محیط‌های شهری از طریق به جلوه درآوردن ویژگی‌های خاص هر محیط تعریف می‌کند. ۱۰

در واقع معماری به خودی خود پدیده‌ای است که از صراحت در تعریف و تجزیه و تحلیل می‌گریزد و در دنیای پیچیده امروز این مقوله هویتی بس پیچیده‌تر و مبهم‌تر از گذشته یافته است.



اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری



The first annual conference of Architecture, Urban planning & Urban management

نسبت معماری با هویت چیست؟ و آیا می‌توان معماری با هویت خلق کرد؟ برای پاسخ به این پرسش از دو دیدگاه می‌توان به معماری نگاه کرد. نگاه اول نگاه عام است که معماری را به معنای ساختن، تحید فضا، ایجا سرپناه و تعاریفی از این دست در نظر می‌گیرد که جایی برای بحث هویت در معماری باقی نمی‌گذارد. برای باز کردن بحث هویت در معماری باید از دیدگاه دیگری به مسئله نگاه کرد و بحث چیستی و کیستی معماری را از آن نقطه نظر مطرح کرد. اگر به معماری به عنوان یک اثر هنری نگاه کنیم و انسان را خالق اثر هنری در نظر بگیریم از آن جهت که انسان مدعی است که می‌تواند حقیقت هستی را کشف کند و آن را در اثر هنری متجلی سازد و به بیان آورد و اثر هنری حاصل فهم انسان و تجلی حقیقت کشف شده از سوی اوست، می‌توان به بحث هویت در معماری پرداخت [4].

معمولا هویت یک اثر معماری را با میزان ایده‌ها و اثرات برگرفته از ویژگی‌های فرهنگی موجود در آن اثر می‌سنجند. این روش با آنکه از یک صحت نسبی برخوردار است اما در جاهایی ناکافی و گمراه‌کننده نیز می‌شود.

هرگاه برای بررسی هویت آثار معماری در کنار توقع در برداشتن میراث محیطی فرهنگی، موضوع کارکرد آنها را نیز مدنظر قرار دهیم، بهتر خواهیم توانست به ارزیابی مسئله بپردازیم و آن‌گاه می‌توانیم حتی آثاری را با هویت بیابیم که مستقل از میراث محیطی و فرهنگی مکان آن آثار باشد. از این رو عوامل دیگری نیز باید در تکوین هویت معماری مداخله داشته باشد تا فقدان چنان مهمی نتواند مهر بی‌هویتی بر موجودیت اثر معماری زند. این عوامل همان‌هایی هستند که تمام آثار والای معماری چه آنها که از پیشینیان بر جای مانده و چه آنها که معاصرند و چه آنهایی که با گذشته پیوند دارند و چه آنهایی که فن‌آوری را همچون نمودی از دنیای امروز و فردا ارائه می‌کنند به یک اندازه از آنها برخوردارند و عبارت‌اند از: زیبایی، دانش، اصالت طرح، جوهر طرح [5].

زمان نیز مؤلفه بسیار اساسی اما خارج از کنترل انسان است و هریک از عوامل فوق خود مقروض زمان هستند. از این رو اگر در جست‌وجوی هویت در معماری امروز هستیم می‌بایست آن را در ارتباط با زمان حاضر بسنجیم.

بحران هویت در معماری معاصر ایران

همان‌طور که در بخش‌های قبل بیان شد مسئله هویت و پرسش از آن در اثر انسداد و بحران به وجود می‌آید. پس از ورود مدرنیته به ایران تقابل دو معیار سنجش سنتی و مدرن بر روی معماری تأثیر گذاشت و جواب‌های متفاوت این دو دیدگاه در مورد چیستی و کیستی معماری بحران هویتی را در ایران و سرزمین‌های مشابه آن ایجاد کرد. از دوره صفوی در پی توسعه صنعتی و اجتماعی اروپا رابطه‌ای یک‌سویه بین ایران و اروپا پدید آمد و اقتباس و الگوبرداری از بعضی مظاهر آن توسط ایرانیان آغاز شد که در این دوره بیشتر بر هنرهای انتزاعی مانند نقاشی و نگارگری تأثیر گذاشت.

در واقع پیش از ورود مدرنیته به ایران، ایرانیان دغدغه این را نداشتند که چه چیز را از کجا بگیرند، برای آنکه ذهن و فکری مولد داشتند. اگر چیزی را از کسی می‌گرفتند به سرعت مطابق نیازها و اعتقادات خویش آن را چنان دگرگون می‌کردند و به آن هویت می‌بخشیدند که آن اثر دقیقا به حوزه تمدن ایران تعلق می‌گرفت که نمونه آن را می‌توان در معماری هخامنشی و ساسانی و حتی بعضی از آثار معماری دوره قاجار مشاهده کرد.



اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری



The first annual conference of Architecture, Urban planning & Urban management

معمار سنتی نوآوری را در تکمیل تدریجی به دست آورد. معمار سنتی به اندازه توان خود ارزشی را بر ارزش‌های معماری می‌افزاید و ادعای خلق الساعه ندارد. انسان مدرن نوآوری را در دگرگون کردن پدیده‌ها و جایگزین کردن جدید به جای موجود به کار می‌گیرد. معماری مدرن معماری عصیان و بدعت است و به معنای عام محصول تکثر اصول و قراردادهای عصر جدید است که هرازگاهی تحت تأثیر مؤلفه‌های متغیر و پویای روزگار مدرن شکلی نو و تازه به خود می‌گیرد و ساخت جدیدی را طلب می‌کند. معماری مدرن معماری هویت‌های پویا و گذرای عصر جدید است. این هویت‌های پویا و گذرا در سایر هنرها و ادبیات نیز آثاری به جا می‌گذارند، ولی تنها در معماری است که به علت ماندگاری اثر و هم‌نشینی بناها اختلاط هویت‌ها و به تعبیری دیگر بی‌هویتی معماری به چشم می‌آید.

در واقع معماری مدرن مانند کودکی که می‌خواهد همه امکانات جسمی خود را بیازماید گاه پاهای خود را با سرعت غریبی تکان می‌دهد یا صدای خود را به صورت غیرقابل تحملی بالا می‌برد، تعادل کلاسیک جنبه‌های مختلف معماری را کنار گذاشته و هر بار به یک شاخه تخصصی با یک مسئله خاص توجه اغراق‌آمیز کرده است. ما از دور شاهد ماجرا بودیم و متوجه نشدیم چنین رفتارهایی برای یک کودک مرحله شناخت محسوب می‌شود ولی برای ما جنبه تقلیدی دارد [6].

برای نفوذ و گسترش معماری ناشی از تفکر مدرنیسم در ایران و به عبارت بهتر برای نفوذ و گسترش و تقلید و تکرار معماری بیگانه (غربی) در ایران می‌توان دوره قاجار را به عنوان مبدأ زمانی ذکر کرد. رواج معماری بیگانه در ایران که از دوره قاجار آغاز شده بود پذیرش عالمانه و آگاهانه و نقادانه نبود بلکه این پذیرش ناشی از خودباختگی سران کشور در برابر بیگانه بود که به فرنگ سفر کرده و مسحور توسعه صنعتی آنها شده و به نحوی دچار از خودبیگانگی و بحران هویت شده بودند. لذا در پی احراز هویتی برای خویش بودند که توسط آن خود را عقب‌مانده قافله پیشرفت و تمدن ندانند. در این راه از دست زدن به هیچ کاری که آنها را به الگوها و ایده‌های غربی‌شان شبیه‌تر می‌کرد اجتناب نمی‌کردند، و چه امری راحت‌تر از لباس و غذا و موسیقی و معماری می‌توانست تقلید شود؟

اما پس از ورود مدرنیته، معماری ما بر سر یک دوراهی قرار گرفت: از یک طرف شیفته و دل‌باخته معماری غرب بود و از طرف دیگر شاهد مرگ و از دست رفتن معماری سنتی و گذشته پر افتخارش بود، درحالی‌که چیزی از خودش برای ارائه در دنیای معاصر نداشت. این چنین شد که بحران هویت و مسئله هویت ملی در ایران مطرح شد. این مسئله با توجه به نوع نگاه حکومت پهلوی اول به هویت ملی به اوج خود رسید که مصادیق آن را در معماری این دوره به وضوح می‌توان مشاهده کرد.

روشنفکران در این دوره سعی می‌کردند که این امیدواری را در مردم ایجاد کنند که ما فرزندان چنین نیاکانی هستیم و باید خود را از اسارت و فقر و ظلم‌رهای بخشیم. بنابراین شروع به جست‌وجوی ریشه‌های انحطاط و درماندگی در خود در عمق تاریخ کردند.

در این زمان بود که ما به صورت دست‌پاچه و شتاب‌زده تصمیم به نوسازی گرفتیم تا بیش از این از غرب عقب نیفتیم. در واقع روان غرب‌زده ما در آن دوران دچار چنان حقارتی بود که یا تمام گذشته خود را نفی می‌کرد و یا به پیروی کامل از زندگی غرب می‌پرداخت و یا دچار جنون بزرگ‌نمایی شد و تاریخ خود را سرمنشأ همه خوبی‌ها و پیشرفت‌ها دانست و تنها راه نجات را بازگشت به آن گذشته تصور می‌کرد، غافل از آنکه تکرار تاریخی برای ایجاد هویت امکان‌پذیر نیست چون با تکرار تاریخ معنای آن تکرار نمی‌شود و تنها صورتی سطحی از تاریخ را می‌توان تکرار کرد که آن هم برای ایجاد هویت کافی نیست و در جهان امروز که اصالت به تغییر و تحول است این نوع هویت بخشی مردود و غیر سازنده است [7].



اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری



The first annual conference of Architecture, Urban planning & Urban management

ما از لحاظ هویتی و فرهنگی دچار بلاتکلیفی و سردرگمی هستیم، شاید به این دلیل که هنوز به درک درستی از مفهوم واقعی هویت دست نیافته‌ایم و یا به عبارتی آن را از یاد برده‌ایم، چراکه پیشینیان ما به این مسئله واقف بودند و آثاری به جا گذاشته‌اند که هم‌اکنون بخشی از هویت فرهنگی ما را می‌سازند. گذشتگان ما دارای نوعی معماری بودند که معمار حول آن به کار و خلاقیت می‌پرداخت. در آن زمان، اصالت به معماری بود نه به معمار و به عبارتی، معماری داشتیم نه معماری‌ها، بنابراین، تمایزی ایجاد نمی‌شد که هویتی خلق شود چراکه هویت زاده تمایزهاست. زمانی که غرب گفت «من فکر می‌کنم پس هستیم» >> معماری حول محور معمار خلق شد و معماری‌ها جایگزین معماری شدند. از این به بعد روی معماری اسم گذاشتند و گفتند معماری پست مدرن، معماری‌های تک، معماری دیکانستراکشن، معماری‌هاها هدید، معماری فرانک گری یا حتی معماری‌های فیلیپ جانسون و... ما این معماری‌ها را از دور دیدیم و آنچه را که دیدیم آموزش دادیم بدون آنکه آموخته باشیم، شروع به ساختن کردیم و شبه معماری‌هایی ساختیم حول محور آن معماری‌های معمارمدار غرب، درحالی که همچنان به هویت اعتقاد داشتیم، نه به هویت‌ها و به نوعی هویت گذشته خود را اصیل می‌دانستیم نه هویت‌های معاصر را. از این رو برای این که به ظاهر به هویت‌های ایجاد شده اصالت ببخشیم شروع به ترکیب کردیم و عناصری شبیه به عناصر هویتی گذشته‌مان را با عناصری شبیه به عناصر هویتی معاصر غرب تلفیق کردیم و آن را معماری معاصر ایرانی نام نهادیم که این امر نه زاده معماری بلکه زاده فرهنگ معاصران بود، چراکه فرهنگ ما فرهنگی تلفیقی و هویت فرهنگی‌مان به هویتی دکوراتیو تبدیل شده است [8].

واقعیت آن است که هویت و هویت‌مندی به احراز هویت و اساسا برخورداری محیط زندگی از این ظرفیت، ارتباطی چندان با تصویر گذشته پدیده به عنوان مبنای هویت مکانی ندارد. هیچ تاریخی تکرارپذیر نیست. "هگل می‌گوید رویدادهای تاریخی همیشه دوبار روی می‌دهد: بار اول به صورت تراژیک و بار دوم به صورت کمدیک. هر کوششی برای تکرار آگاهانه صورت‌های تاریخی گذشته جز به صورت دوم نخواهد بود"، زیرا معنای آن تکرارپذیر نیست. از این رو تکرار آن جز ملغمه‌ای ناساز از تناقض صورت و معنا نخواهد بود [9].

در واقع بازگشت به گذشته به این معنا نیست که بیاییم و از ابزارهایی استفاده کنیم که نیاکان ما برای زندگی از آنها استفاده می‌کردند، چون با دیگر شدن زندگی‌مان دیگر نه آن ابزارها را داریم و نه توان استفاده از آنها و اگر چنین کنیم دچار تضادی می‌شویم که بعضا به آن دچاریم. از یک سو بنا به ارزش‌های امروزی می‌خواهیم یکسره پیشرفت و تکامل و ترقی باشیم و از سوی دیگر به محافظه‌کاری و حتی ارتجاع دچار می‌شویم [10].

“ هویت بیش از آن که معطوف به گذشته است با توقعات افراد مرتبط است، زمان حال را دربر می‌گیرد و تقاضا برای بهره‌مندی از آن، ریشه در نیازهای فردی و جمعی شهروندان در محیط شهر دارد.”

اصولا ارزش یک معماری در هر دوره به این است که آن بنا بتواند پاسخ‌گوی واقعی نیازهای زمان خود باشد. حال اگر قرار باشد ما در کنار یک اثر تاریخی بنایی احداث کنیم آیا برای احترام و ارزش‌گذاری و حفظ هویت آن بنا می‌بایست ساختمان جدید مطابق همان معیارها به لحاظ فرم، شکل و حتی استفاده از همان مصالح ساخته شود؟ در این صورت یادمان‌های دوره ما برای آیندگان چه خواهد بود؟

معماری و زندگی آینه تمام‌نمای یکدیگرند. اگر امروز صحبت از تقلید در معماری می‌کنیم و به یقین در زندگی ما وجود دارد. اگر صحبت از فریب می‌کنیم تجلی آن در زندگی اجتماعی ما مشهود است و اگر از سرگشتگی در معماری شکوه می‌کنیم مگر



اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری



The first annual conference of Architecture, Urban planning & Urban management

در زندگی دچار آن نیستیم؟ معماری دورغ نمی‌گوید و انعکاس آرزوهای جامعه و به‌خصوص صاحبان خود است. این هویتی است که به وجود آمده؛ خواه زشت باشد خواه زیبا، خوب باشد یا بد [11].

نتیجه

این مقاله در پی چیستی هویت به عنوان ویژگی‌های ذاتی، پویا و تدریجی معماری بود. هویت در معنای عرفانی آن ما را به ذات مقدس خداوند و فیض‌رسانی دم به دم آن می‌رساند. معنایی که در آن هویت انسان و فعالیت‌های او، مولود آن فیضان الهی و هویت‌سار به تلقی می‌شود. همچنین مشخص شد که باور، زمان و مکان از مؤلفه‌های مؤثر در هویت می‌باشند.

انسان به عنوان مؤلف و درک‌کننده معماری به پشتوانه‌ی باورهای جدید انسان مدارانه و با اتکا به خلاقیت، ابداع، نوآوری و ذوق، نگاه متفاوتی به ماسوای خود را روی میز کار هنرمندان قرار داد، و از تقلیدهای فکری پیشین رها کرد. بدنبال آن، سبک و زبان‌های مختلف هنری و معماری، خود را از اصول و ویژگی‌های کیفی پیشین دور نمود. لذا رنگارنگی و زودگذری سبک‌ها و نهضت‌ها، مشخصه‌ی بارز و حاکم بر عرصه‌ی معماری جدید گردید. امروزه هویت بخشی مستقل دانسته می‌شود که از بیرون و توسط انسان به عنوان مؤلف مختار و آزاد معماری، به آن افزوده می‌شود.

در این پژوهش زمان و مکان به عنوان ظرف حاوی جهان‌پدیدار، به عنوان دیگر مؤلفه‌های تاثیرگذار، به بحث هویت راه یافتند. زیرا در نظر اندیشمندان، فعالیت‌های انسانی از جمله معماری در طول زمان و در مکان معنا می‌یابند؛ مؤلفه‌هایی که در گذشته مبتنی بر نوع کیفی و ترکیبی از عینیات و ذهنیات بود، ولی در عالم جدید در چمبره‌ی عینیات قرار گرفته است. این عناصر برای معماری ایرانی، به جز ویژگی‌های جغرافیایی، شامل مفاهیم کیفی همانند شاعرانه‌گی، پیچیدگی و تو در تو بودن و..... می‌باشند که شناخت آنها می‌تواند موضوع مقاله‌ی مستقلی را شامل شود.

از آن چه آمد می‌توان دریافت که هویت، امری صلب نمی‌باشد و در طول زمان با انسان و باورهایش متحول می‌شود. هویت و عامل تشخیص، اگر در حصار خود محبوس گردد می‌میرد. پس باید با انسان متحول شود. طبق تعریف، هویت دارای مختصاتی است که همچون نخ‌شاخه‌ی نبات ما را به اصل و ریشه‌های ذاتی و گذشته خود وصل می‌کند، ولی زمانه بر اساس نیازهای روز بلورهای متفاوتی به گرد آن رشته تشکیل می‌دهد، که مشترکات ما با معماری جهان را شامل می‌شود. مشترکات و مختصاتی که با استناد بر شعر حافظ پایانی ندارند.

گمان مبر که به پایان رسید کار مغان

هزار باده ناخورده در رگ تاک است (تقوایی، 1391).



اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری



The first annual conference of Architecture, Urban planning & Urban management

منابع و مأخذ:

- [1] ایل، ک. معماری و هویت. ترجمه دکتر فرح حبیب. دانشگاه آزاد اسلامی. تهران. 1387.
- [2] بهشتی، س. م. مهندسی ایرانی. از مجموعه گفتارهای اولین و دومین هم‌اندیشی مباحث معماری. سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان. 1386.
- [3] تقوائی، و. از زمان تا سرمد در انسان و معماری. مجله نامه معماری و شهرسازی. شماره 3. صص 117-129. 1388.
- [4] تقوائی، ح. از سبک تا هویت در معماری. نشریه هنرهای زیبا. دوره 17. شماره 2. 1391.
- [5] حبیبی، ر. تصویرهای ذهنی و مفهوم مکان. مجله هنرهای زیبا. شماره 35. 1387.
- [6] رایت، ف. سبکها و معماران. مجله آبادی. سال دوم. شماره 8. 1372.
- [7] رحیم زاده، م. مفهوم هویت. دومین کنگره معماری و شهرسازی ایران. جلد دوم. سازمان میراث فرهنگی کشور. تهران. 1379.
- [8] گروت، ل.، وانگ، د. روش‌های تحقیق در معماری. ترجمه علیرضا عینی فر. دانشگاه تهران. 1388.
- [9] Buttimer.a,seamon.d. the human experience of space. Oxford. London. 1980.
- [10] Edvard. R. place and placelessness, pion, London. 1976.
- [11] Frithjof. S. light on the acient world. Perennial book. London. 1965.